

Intertextual Analysis of Telemities in Mohammad Kazem Kazemi's Poetry*

Mahboobeh Zolghadr¹

M.A. in Persian Literature of Imam Khomeini International University

Dr. Reza Chehrghani

Assistant Professor of Imam Khomeini International University

Dr. Ali Ghasem Zadeh

Associate Professor of Imam Khomeini International University

Abstract

Intertextual studies are one of the most important approaches to contemporary literary research. According to the theory of intertextuality, every literary text is its reproduction and reproduction of past or contemporary literary works. Considering this definition, Talmih can be regarded as one of the most obvious examples of intertextuality. One of the poets who widely used this array in his poetry is Mohammad Kazem Kazemi, the most famous poet of the Resistance of Afghanistan. In this research, the ways in which Talmih was used in his poems has been examined by descriptive-analytical method. As the results of this research show, Kazemi's poems are often linked to religious themes and texts such as the Quran, hadith, the history of Islam, the Prophets of the Prophets, etc., and the intertextual relations based on the threefold rules of Christau between the present text And absent, in the form of partial negation, a negation, and a general negation, in which a partial negation in Kazemi's poems is more frequent.

Keywords: Talmih, Intertextuality, Afghan Resistance Poetry, Mohammad Kazem Kazemi, Julia Kristeva.

* Date of receiving: 2018/5/15

Date of final accepting: 2018/7/1

1 - email of responsible writer: sheydayshahr94@chmail.ir

فصلنامه علمی کاوش‌نامه
سال بیستم، تابستان ۱۳۹۸، شماره ۴۱
صفحات ۱۹۵ الی ۲۱۹

تحلیل بینامتنی تلمیحات در شعر محمد کاظم کاظمی*

محبوبه ذوالقدر^۱

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

دکتر رضا چهرقانی

استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

دکتر سیدعلی قاسم‌زاده

دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

چکیده:

مطالعات بینامتنی یکی از رویکردهای مهم در پژوهش‌های ادبی معاصر شناخته می‌شود. طبق نظریه بینامتنیت، هر متن ادبی، بازخوانش و زایشی از آثار ادبی پیشین یا معاصر با خود است. با عنایت به این تعریف، می‌توان تلمیح را یکی از مصادیق بارز بینامتنیت تلقی کرد. یکی از شاعرانی که به صورت گسترده از این آرایه در شعر خود استفاده کرده، محمد کاظم کاظمی شاعر پرآوازه مقاومت افغانستان است که در این پژوهش شیوه‌های کاربرد تلمیح در اشعار او با روش توصیفی - تحلیلی بررسی شده است. چنانکه نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد، تلمیحات شعر کاظمی غالباً در پیوند با موضوع‌ها و متون دینی از قبیل قرآن، حدیث، تاریخ اسلام، قصص انبیاء و ... شکل گرفته و روابط بینامتنی بر مبنای قواعد سه‌گانه کریستوا میان متن حاضر و غایب، به صورت نفی جزئی، نفی متوازی و نفی کلی بروز یافته است که در این میان نفی جزئی در اشعار کاظمی از بسامد بیشتری برخوردار است.

واژگان کلیدی: تلمیح، بینامتنیت، شعر مقاومت افغانستان، محمد کاظم کاظمی، ژولیا کریستوا.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۲/۲۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۴/۱۱

۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: sheidaysahr94@chmail.ir

۱- مقدمه

نظریه بینامتنیت (Intertextualiti) که طی چند دهه اخیر توجه بسیاری از نقّادان را به خود جلب کرده، نخستین بار توسط ژولیا کریستوا (Julia Kristeva) مطرح شد؛ اما پیش از او نظریه پردازانی چون سوسور، باختین و بارت، هر یک زمینه را برای زایش این نظریه هموار کردند. با وجود اختلاف نظرهایی که در زمینه بینامتنیت میان نظریه پردازان آن وجود دارد، اغلب آنها در مورد اینکه هر متن خود یک بینامتن است و از متون پیش از خود تأثیر پذیرفته و بر متون پس از خود تأثیرگذار است، اتفاق نظر دارند.

با آنکه نظریه و اصطلاح بینامتنیت نسبتاً جدید است، مفاهیم و موضوعاتی؛ نظیر اقتباس، تضمین، حل، درج و تلمیح در سنت ادبی و ادبیات سنتی به نوعی بازگوکننده بخشی از مفهوم امروزی بینامتنیت بوده‌اند. تلمیح یکی از آرایه‌های بدیعی است که اغلب شعرا و نویسندگان به دلایل مختلف از جمله رعایت ایجاز از آن بهره برده‌اند. محمّد کاظم کاظمی مشهورترین شاعر پایدار افغانستان در ایران، از جمله شاعرانی است که از انواع تلمیح بوفور، در شعر خود بهره برده و از این‌رو، آثار شعری او از قابلیت تحلیل بینامتنی بسیار بالایی برخوردار است.

۱-۱- بیان مسأله

شاعر برای خلق اثری هنری و ماندگار، ابزارهای مختلفی در اختیار دارد که تلمیح یکی از آنهاست. از مشخصه‌های بارز یک شعر ارزشمند این است که با آوردن واژه یا عبارتی کوتاه، حکایت یا داستانی تاریخی، آیه‌ای از قرآن یا حدیثی از بزرگان و ... را در ذهن خواننده تداعی کند. تلمیح به عنوان یکی از شگردهای بلاغی در متون ادبی، نقشی مهم و مؤثر در بیان افسانه‌ها و اساطیر گذشتگان در قالب آرایه‌ای زیبا و دلنشین به صورت رمزواره و نمادین ایفا می‌کند و از راه‌های ایجاز سخن به شمار می‌آید. شاعر با استفاده از آن، که وابسته به مطالعات پیشین و گنجینه‌های فرهنگی ذهن اوست، به آفرینش مضامین تازه می‌پردازد و با بهره‌گیری از تداعی معانی، بر لطف و عمق شعر خویش می‌افزاید.

ویژگی قابل توجه تلمیح آن است که اشکال بلاغی دیگری را نیز می‌تواند در خود جای دهد و به این ترتیب، به کلام، جنبه خیال‌انگیزی بیشتری بخشیده، آن را تأثیرگذارتر نماید. همچنین، شاعر به منظور افزودن بر جذابیت، عمق‌بخشی به محتوا و تأثیر بیشتر شعر خود بر مخاطب می‌کوشد رابطه و کنشی دوسویه میان اثر خویش و متون دیگر برقرار کند تا متن ادبی جدیدی پدید آورد.

هر متنی، از جمله شعر، تحت تأثیر تجربیات مستقیم و غیرمستقیم خالق خود قرار دارد؛ به همین دلیل ذهن شاعر به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه، میان متونی که پیشتر نوشته شده و ذهنیات خویش، برای آفرینش متن جدید، رابطه‌ای اثربخش ایجاد می‌کند. این رابطه از نظر وضوح و خفا، گاه آشکار (زودیاب) و گاه پنهان (دیریاب) و نیازمند تأمل است. بنابراین متن جدید خلاصه‌ای از متون متعدد گذشته یا معاصر است که مرزهای آنها از میان رفته و سبک و سیاق تازه‌ای پیدا کرده و چیزی جز ماده اولیه از متون گذشته باقی نمانده است. بینامتنیت یا مطالعه بینامتنی می‌کوشد این روابط (میان متون) را کشف و تحلیل نماید.

محمدکاظم کاظمی، شاعر بنام مقاومت افغان است که تعبیر و مفاهیم را هنرمندانه و با خلاقیتی خاص در راه پیشبرد اهداف متعالی مقاومت، همراه با ظرافت‌های ادبی در شعر خویش به‌کار گرفته و همین امر باعث جذابیت و تأثیرگذاری فوق‌العاده اشعار او شده است. پژوهش حاضر در پی آن است که با روش توصیفی-تحلیلی به تبیین و تشریح بهره‌گیری شاعر از تلمیحات به‌کار رفته در شعر و استفاده مستقیم و غیرمستقیم از آیات و مفاهیم قرآن، احادیث و روایات و گونه‌های مختلف بینامتنی در اشعار این شاعر معاصر نامی پردازد و تکنیک‌های متنوع بینامتنی را در تلمیحات شعری او بررسی نماید تا از این رهگذر به شناخت، چگونگی و میزان تأثیرگذاری آنها بر روساخت و ژرف‌ساخت اشعار او دست یابد.

۱-۲- پیشینه تحقیق

بر اساس بررسی‌های انجام‌گرفته توسط نگارندگان و جستجو در بین مقالات علمی

و پژوهشی و پایان‌نامه‌های موجود در زمینه شعر و ادبیات فارسی، در باب تحلیل بینامتنی تلمیحات، مقاله‌های زیر به چاپ رسیده است:

- سیدعلی قاسم‌زاده، آسیه ذبیح‌نیا و فرخنده جمال‌زهی، «بینامتنیت تلمیح در شعر شاعران دفاع مقدس» (۱۳۹۳، نشریه ادبیات پایداری)

در مقاله فوق شعر تعدادی از شاعران دفاع مقدس با رویکرد بینامتنی ژرار ژنت از منظر زیبایی‌شناسی تلمیح و کارکرد وحدت‌بخش آن در محور عمودی شعر دفاع بررسی شده است حال آنکه پژوهش پیش رو از رویکرد بینامتنی کریستوا و نفی‌های سه‌گانه او برای تحلیل تلمیحات در شعر محمدکاظم کاظمی شاعر جوان افغانستانی سود جسته است.

- رضا چهرقانی و سیدعلی قاسم‌زاده در مقاله «بررسی پشتوانه‌های فرهنگی در شعر مهاجرت افغانستان» (۱۳۹۴) پشتوانه‌های فرهنگی را که غالباً به صورت آرایه تلمیح در شعر شاعران مهاجر افغانستان نمود پیدا کرده است، از منظر بلاغت مورد بررسی قرار داده‌اند. حال آنکه پژوهش حاضر از رویکرد بینامتنی کریستوا در تحلیل تلمیحات شعر کاظمی استفاده کرده است.

با توجه به موضوع و زمینه پژوهش حاضر تاکنون در هیچ‌یک از حوزه‌های پایان‌نامه و پژوهش و مقالات علمی، پژوهش مستقلی با موضوع تحلیل بینامتنی تلمیحات در اشعار محمدکاظم کاظمی صورت نگرفته است.

۱-۳- روش تحقیق

این مقاله گزارشی مکتوب از یک پژوهش نظری و بنیادی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی کوشیده است، تلمیحات شعر محمدکاظم کاظمی را بر مبنای اصول نظریه بینامتنیت تحلیل و بررسی نماید. این پژوهش طی چهار مرحله، تهیه و تأمین منابع، فیش‌برداری، تنظیم و طبقه‌بندی و تحلیل مطالب و فیش‌های تهیه شده و نگارش، بازبینی و اصلاح متن نهایی به انجام رسیده است.

۲- مبانی نظری

۲-۱- بینامتنیت

بینامتنیت مانند تمام دستاوردهای بشری نتیجه تلاش یک فرد نیست، بلکه محصول کوشش نظریه پردازان بسیاری است که هر یک به نوعی در شکل گیری و ارائه آن نقش داشته‌اند.

بینامتنیت از فرمالیست‌های روسی شروع شد و به وسیله سوسور در قالب نشانه‌شناسی ادامه یافت. باختین (Bakhtin) مکالمه‌باوری و رولان بارت مرگ مؤلف را مطرح نمود و ابداع آن به نام کریستوا رقم خورد و توسط اندیشمندان دیگری، نظریات جدیدی در خصوص بینامتنیت مطرح شد که از جمله آنها می‌توان به تقسیم‌بندی بینامتنیت و تغییر نام آن به ترامتنیت توسط ژنت (genette) اشاره نمود.

بینامتنیت به بررسی نحوه حضور یک متن در متن دیگر می‌پردازد و با حذف مفاهیمی چون مؤلف، تاریخ و جامعه، متن را به شکلی مستقل ولی وابسته به متون دیگر در نظر می‌گیرد. با اندکی تأمل در آثار پیشینیان، درمی‌یابیم که موارد مشابه بسیاری بین موضوع‌های قدیم و جدید در تعاریف وجود دارد که حاصل رویکرد زبان‌شناختی به ادبیات و نقد متون توسط نظریه‌پردازان معاصر است.

متون همواره با یکدیگر در ارتباط بوده و از تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر یکدیگر بی‌نیاز نیستند. «بینامتنیت به تأثر آشکار و پنهان متن با متن یا متون قبلاً نوشته شده می‌پردازد و معتقد است که هیچ اثری نمی‌تواند بدون گفتگو با گذشته خویش، سربرآورد؛ لذا همواره بین گذشته، حال و آینده یک فرهنگ، پیوندی معنادار برقرار است» (قاسم زاده، ۱۳۹۰، ص ۷۹).

بینامتنیت بر سه عنصر اساسی: «متن غایب»، «متن حاضر» و «عملیات بینامتنی» استوار است. کریستوا می‌گوید: «هر متن ادبی، تنها با توجه به متونی قابل درک است که قبل از آن وجود داشته و بر آن تأثیر گذاشته‌اند.» (شاهین، ۱۳۸۲، ص ۶) بینامتنیت چشم اندازهای جدید را در خوانش و فهم متون پیش روی خواننده قرار می‌دهد. «خواندن

یک متن، سفر ذهن خواننده به جهان متن است و هر سفر جدید کشف دنیای تازه به شمار می آید.» (قاسم زاده، ۱۳۹۳، ص ۹۲)

۲-۲- ژولیا کریستوا

کریستوا (متولد ۲۴ ژوئن ۱۹۴۱) تحت تاثیر آراء باختین، خصوصاً مبحث مکالمه باوری، بینامتنیت را جایگزین نظریه «چندصدایی درون یک متن» می نماید. کریستوا متن ها را متشکل از نقل قول های به هم چسبیده می داند که مکمل یکدیگرند. «هر متنی همچون معرفی از نقل قول ها ساخته می شود و هر متن به منزله جذب و دگرگون سازی متنی دیگر است» (تودوروف، ۱۳۷۷، ص ۱۵).

«به اعتقاد کریستوا هر متنی در واقع در حکم مکالمه و گفت و گویی با متون قبل از خود است. او اصطلاح بینامتنی را به عنوان گذر از یک نظام نشانه ای به نظام نشانه ای دیگر به کار برد» (وصفی، ۱۳۹۲، ص ۲۲۸).

۲-۳- قواعد بینامتنی

طبق نظر کریستوا، حضور متن پنهان یا غایب در متن حاضر، به سه صورت انجام می گیرد که از آن، با عنوان قواعد سه گانه بینامتنی یاد می شود:

۱- نفی جزئی: «در این نوع از روابط بینامتنی، مؤلف، جزئی از متن غایب را در متن خود می آورد و متن حاضر، ادامه همان متن غایب است و کمتر ابتکار یا نوآوری در آن وجود دارد» (میرزایی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۶).

متن غایب می تواند یک جمله، یک عبارت و یا یک کلمه باشد و این رابطه سطحی ترین و آسان ترین نوع از روابط بینامتنی به شمار می رود.

۲- نفی متوازی: در این نوع از روابط بینامتنی، مؤلف حضور متن غایب را پذیرفته و متن غایب را با همان ساختار و یا با تغییری مختصر که به جوهره آن لطمه ای نزند، به کار می برد. «در نفی متوازی، شاعر نوعی سازش میان متن پنهان و حاضر ایجاد می نماید و از معنای متن پنهان دفاع می کند» (همان).

۳- نفی کلی: در این نوع از روابط، که بالاترین سطح روابط بینامتنی است شاعر یا نویسنده، قسمتی از متن غایب را در متن خود می‌آورد، در حالی که معنای متن به کلی تغییر می‌کند. «این نوع از روابط، بالاترین درجه بینامتنی است و به خوانشی عمیق و آگاهانه نیاز دارد که متن پنهان را به زیرکی درک کند؛ زیرا شاعر یا نویسنده در این نوع از روابط، متن پنهان را بازآفرینی کامل می‌کند، به گونه‌ای که بر خلاف معنای متن پنهان به کار می‌برد و معمولاً این امر ناخودآگاه روی می‌دهد» (رنجبر، ۱۳۹۲، ص ۹۴). در این نوع از روابط، در بیشتر مواقع، شکل کاربرد معنای متن غایب با معنای متن حاضر متفاوت است. «شاعر یا نویسنده مقطعی از متن غایب را در متن خود می‌آورد، درحالی که معنای متن تغییر یافته است؛ زیرا هیچ نوع سازشی میان متن پنهان و حاضر وجود ندارد. به همین دلیل، عالی‌ترین نوع بینامتنی به حساب می‌آید» (میرزایی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۷).

۲-۴- تلمیح

«تلمیح مصدر باب تفعیل از ریشه ثلاثی مجرد (كَمَح، يَلْمَح، كَمَحاً) به معنای به گوشه چشم به چیزی نگریستن است و در اصطلاح بدیع، آن است که شاعر یا نویسنده در ضمن کلام خود به داستان، آیه، حدیث یا ضرب‌المثلی معروف اشاره کند، به طوری که با ندانستن آنها فهم دقیق معنای شعر یا نوشته مشکل باشد. در این تعریف لفظ اشاره بسیار مهم است زیرا اگر تمام آن آیه، حدیث یا داستان ذکر شده باشد از دایره تلمیح خارج است» (محمدی، ۱۳۷۴، ص ۸).

گفته می‌شود «در تلمیح دو ژرف ساخت تشبیه و تناسب (مراعات النظیر) وجود دارد؛ بین مطلب گوینده و آنچه به آن اشاره می‌کند، وجه شبه و بین اجزای داستان تناسب وجود دارد» (شمیسا، ۱۳۷۸، ص ۹۰).

۲-۵- زندگی و شعر محمدکاظم کاظمی

محمدکاظم کاظمی فرزند حاج محمدعلی، در ۲۰ دی ۱۳۴۶ شمسی، در خانواده‌ای اهل ادب و فرهنگ و شاعرپرور، در شهر هرات دیده به جهان گشود و از حدود هفده

سالگی سرودن شعر را آغاز نمود و در سال ۱۳۶۱ اولین شعر منسجم خود را سرود از سال ۱۳۶۳ به دلیل وضعیت بحرانی افغانستان و همچنین به منظور گریز از جنگ بر ضد مجاهدین، از خدمت سربازی امتناع کرده و به همراه خانواده به ایران مهاجرت نمود (خالقی، ۱۳۸۳، صص ۹۰۸).

در سال ۱۳۶۹، به «انجمن اسلامی شاعران افغانستان» پیوست که کانونی برای جذب و پرورش شاعران جوان افغان بود و شعری همچون: فدایی هروی، نورالله وثوق، حبیب‌الله ذبیحی، محمد آصف رحمانی، فریدون نقاش‌زاده و سید ابوطالب مظفری و جمعی دیگر در آن حضور داشتند (چهرقانی، ۱۳۹۴، ص ۷۱).

کاظمی از معدود مهاجرانی است که در ایران به سمتی فرهنگی رسیده و از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران به عنوان دبیر علمی یازدهمین دوره جشنواره شعر فجر در سال ۱۳۹۵ حکم رسمی دریافت کرده است. او همچنین عضو وابسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. وی علاوه بر سرودن شعر در زمینه روزنامه‌نگاری، ویراستاری و نگارش مقالات فعالیت می‌کند و کتاب‌هایی نیز در زمینه ادبیات منتشر کرده است که از آن جمله می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

شعر مقاومت افغانستان (۱۳۷۱)، صبح در زنجیر (۱۳۷۱)، پیاده آمده بودم پیاده خواهم رفت (۱۳۷۰)، روزنه (۱۳۸۶)، شعر پارسی (۱۳۷۹)، قصه سنگ و خشت (۱۳۸۴) و

۳- تلمیح، گستره و انواع آن در اشعار محمد کاظم کاظمی

۳-۱- تلمیحات اساطیری

اسطوره در فرهنگ و تمدن یک ملت ریشه دارد. «اسطوره‌ها پدیده‌های فرهنگی و مایه ایجاد تاریخ فرهنگی یک ملت‌اند و غالباً ریشه‌های هویت فرهنگی یک قوم یا ملت را روایت می‌کنند و بهترین ابزار بازسازی اندیشه، معرفت‌افزایی، تقویت حس بازگشت

به خویشتن و از غنی‌ترین منابع فکری و فرهنگی، در خلق آثار ادبی می‌باشند» (قاسم‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۳۹).

کاظمی از جمله شاعرانی است که از اسطوره در جهت پروردن معانی و مفاهیم والای حماسی در روزگار خود و ترغیب و تشویق مخاطبان برای رویارویی و مقاومت در برابر دشمنان در قالب آرایه تلمیح بهره جسته است.

تلمیحات اساطیری کاظمی را می‌توان به دو دسته اسطوره‌های سامی و ایرانی تقسیم نمود:

اساطیر سامی:

۱- ای بشر سرخی سیبت نفریبد هشدار تا به کی آتش دوزخ بنهی در زنبیل؟ (کاظمی، ۱۳۹۰، ص ۹۳)

قاعده بینامتنی: نفی جزئی

۲- در این گندم نمی‌دانم کدام ابلیس مخفی شد

که قابیل مجسم کرد فرزندان آدم را (همان، ص ۷۱)

قاعده بینامتنی: نفی جزئی

ابیات فوق به روایت سامی از اسطوره آفرینش و همچنین خوردن میوه ممنوعه به اغوای شیطان و رانده شدن آدم و همسرش از بهشت اشاره دارند.

نکته‌ای که در مورد ابیات فوق قابل ذکر است این است که کاظمی در اشاره به داستان اغوای آدم و حوا، با توجه به تشبیه مضموری که میان سیب سرخ و پاره‌های آتش دوزخ وجود دارد، در شاهد نخست ضمن آفریدن تصویری بدیع به روایات مسیحی از اسطوره آفرینش - که میوه ممنوعه را سیب می‌دانند- توجه نموده و در شاهد دوم با توجه به تناسب میان کلماتی نظیر قابیل (کنایه از برادرکشی در جنگ‌های داخلی افغانستان برای دستیابی به منافع مادی) و گندم و ابلیس و فرزندان آدم، به روایات اسلامی که در اکثر تفاسیر مقصود از میوه ممنوعه را گندم عنوان کرده‌اند توجه

کرده است. ملاک شاعر در انتخاب هریک از این دو روایت، کارکردهای بلاغی و تصویری آن در آفرینش ایماژهای هنری بوده است. در ابیات فوق، شاعر مخاطبان هموطن خویش را از تفرقه، سهم خواهی، زیاده خواهی و برادرکشی بر حذر می دارد.

اساطیر هند و ایرانی:

الف-تلمیحات شاهنامه‌ای:

۳- هفت خوان را به ساعتی خوردیم، شهره گشتیم در گران سنگی

لاجرم در مسیرکاهش وزن، مدتی صبح‌ها طناب زدیم
(کاظمی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۱)

قاعده بینامتنی: نفی کلی

به دلیل اینکه متن غایب تغییر شکل یافته و باید با خوانش مجدد به متن پیشین دست یافت، نفی کلی بر این بیت حاکم است. در نقیضه فوق، تشبیه هفت خان به هفت خوان (سفره)، انتقاد از افراد شکم پرست و مادی گرا و تن پروری است که از جنگ گریزانند.

۴- به جرم هفت خوان قربانی نامردمی گشتن

نکشت این چاه، ننگ آن برادر کشت رستم را
(همو، ۱۳۹۰، ص ۷۱)

قاعده بینامتنی: نفی جزئی

بیت فوق به داستان نیرنگ شغاد و مرگ غم‌انگیز رستم در شاهنامه فردوسی تلمیح دارد.

کاظمی با تناسبی که بین کلمات (قربانی، نامردمی، ننگ، برادر، کشت و رستم)

ایجاد کرده از برادرکشی و قتل و جنایت در سرزمینش ابراز نارضایتی می کند.

در ضمن این بیت تلمیحی نیز به داستان حضرت یوسف (ع) در قرآن نیز دارد.

۵- من از این بیش ندانم چه در این میدان شد

که سیاووشی قربانی کاووسان شد

(کاظمی، ۱۳۹۲، ص ۶۶)

قاعده بینامتنی: نفی جزئی

بیت فوق به ماجرای کشته شدن مظلومانه سیاوش فرزند کاووس اشاره دارد و شاعر می‌خواهد با بیان این موضوع یادآوری نماید که برخی از افراد با سوء استفاده از خون آزادی خواهان و مجاهدان، به مقامات و موقعیت‌های عالی رسیدند و خودخواهانه حکومت را غصب کرده و بنای استبداد را گذاشتند. او مبارزان سرزمینش را چونان سیاووشی می‌بیند که قهرمانانه جان خود را برای تحقق اهداف میهن خویش (که در حقیقت رسیدن به آزادی است) فدا کرده و با خون خود، راه را برای تعالی و پیشرفت مادی افراد سودجو و فرصت طلب هموار نمودند که این مایه درد و رنج شاعر است. کاظمی شعر فوق را در سوگ عبدالقهار عاصی یکی از شاعران افغانستان سروده است و او را سیاووشی دیگر می‌بیند که به امید بیداری مردم و آزادی سرزمینش مظلومانه جان خود را فدا کرده است.

۶- تیروکمان به دست من و توست هموطن

لفظ دری بیاور و بگذار در کمان

(همان، ص ۱۵۶)

قاعده بینامتنی: نفی کلی

این بیت یادآور داستان آرش کمانگیر است ولی متن غایب در آن بکلی تغییر شکل یافته و اشاره به آن پنهان است و درک رابطه متن حاضر با غایب نیازمند خوانش مکرر و تعمق در متن است. به همین دلیل، نفی کلی را برای آن برمی‌گزینیم.

شاعر برای زنده نگه داشتن زبان فارسی دری که بیانگر هویت تمام ملل فارسی زبان و جلوه‌ای از مقاومت فرهنگی در برابر دشمنان است، از مردم این سرزمین‌ها می‌خواهد، همان‌گونه که آرش با فداکاری و از جان گذشتگی با قدرت و نیروی بازوان خود، سرزمین ایران را نجات داد و مرزهای آن را وسعت بخشید آن‌ها نیز با هر آنچه

در توان دارند، در جهت استعلای زبان فارسی بکوشند و با پاس داشت آن، این زبان شیرین را از خطر زوال و نابودی حفظ کنند.

ب- تلمیحات غیر شاهنامه‌ای:

۷- زد یقین غوطه به تحقیق و شک آمد بیرون

سوخت ققنوس و از آن تک‌تکک آمد بیرون

(کاظمی، ۱۳۷۹، ص ۷۳)

قاعده بینامتنی: نفی متوازی

با توجه به وضوح تلمیح می‌توان آن را بینامتنیت صریح دانست ولی چون از مفهوم متن غایب عدول کرده و در معنای آن تغییر پدید آمده است نفی متوازی را برای این بیت برمی‌گزینیم. شاعر با برجسته کردن تضاد میان ققنوس و «تک‌تکک» (پرنده‌ای خرد و ضعیف)، امیدهای بر باد رفته ملت افغان را پس از شکست طالبان و تأسیس جمهوری اسلامی به تصویر کشیده است همچنین این بیت یادآور مثل معروف «کوه موش زاید» نیز می‌تواند بود.

۲-۳- تلمیحات ادبی

الف- تلمیح به اشعار شاعران کلاسیک:

۸- عابد و زاهد و شب‌خیز و مسلمانانیند شیر بی یال و دم و اشکم مولانانیند
(همان، ص ۷۴)

قاعده بینامتنی: نفی جزئی
بیت فوق از منظر بینامتنی صریح است چراکه عین متن غایب ذکر شده است. کاظمی این بیت را در شکایت از افراد ظاهر‌نمایی که باطنی ناپاک دارند و قصدشان فریب مردم است تا از این رهگذر منافی نصیبشان شود؛ سروده است. قافیه‌ای که به کار برده خصوصاً در مصراع اول گویا مبین ناراستی و بی‌دینی این گروه و تعریضی به آنهاست.

مصراع اول بیت، به منظومه موش و گربه عبید زاکانی تلمیح دارد؛ البته منظور از گربه، حاکم کرمان و یزد (امیر مبارزالدین مظفر) است که به سفاکی شهره بوده است.

«مزدگانی که گربه تائب شد زاهد و عابد و مسلمانا»

مصراع دوم به داستان پهلوان قزوینی که در دفتر اوّل مثنوی آمده، اشاره دارد:

«شیر بی دمب (=دنب) و سر و اشکم که دید

این چنین شیری خدا خود نافرید»

(مولوی، ۱۳۷۰، ص ۱۸۵)

۹- تا که بوسید دست ما را سیخ، گذر از مهره‌های پشتش کرد

این چنین بره روی آتش رفت، این چنین شد که ما کباب زدیم

(کاظمی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۲)

قاعده بینامتنی: نفی کلی

در حقیقت بیت نقیضه‌ای است که شاعر در آن افرادی را که از قهرمانی و پهلوانی به جز مادیات و هوای نفس و شکم چرانی به چیز دیگری نمی‌اندیشند به باد انتقاد می‌گیرد که به بیتی از شاهنامه فردوسی تلمیح دارد؛ آنجا که رستم، اشکبوس کشانی (پهلوان تورانی) را با تیری مورد هدف قرار داده و به زندگی‌اش پایان می‌دهد:

«چو بوسید پیکان سرانگشت اوی گذر کرد بر مهره پشت اوی»

(فردوسی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۹)

۱۰- اندرون هر یکی از معرفتی پُر دارند

سر به یک - بی ادبی می‌شود - آخور دارند

(کاظمی، ۱۳۹۲، ص ۴۷)

قاعده بینامتنی: نفی متوازی

بیت بالا متضمن نقدی تند و طنزی تلخ است که شاعر در آن به زمامداران و قدرتمندانی که جز منافع خویش و چپاول بیت‌المال به چیز دیگری توجه نمی‌کنند؛ انتقاد دارد و همه آنها را با یکدیگر هم‌دست و هم‌سو می‌داند و ضمناً یادآور بیت زیر از باب دوم گلستان است:

«اندرون از طعام خالی دار تا در او نور معرفت بینی»

(خطیب رهبر، ۱۳۷۳، ص ۱۸۵)

ب-تلمیح به اشعار شاعران معاصر:

۱۱- زخم وامانده خصم است و نمکدان شما

«ای جوانانِ عجم، جان من و جان شما»

(کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۵۹)

قاعده بینامتنی: نفی جزئی

بیت بالا، تضمینِ مصراعِ دومِ مطلعِ این غزل زیبا از اقبال لاهوری است:

«چون چراغِ لاله سوزم در خیابان شما ای جوانانِ عجم، جان من و جان شما»

شاعر همه جوانان بالخصوص جوانان سرزمینش را به مبارزه علیه ظلم و بیداد دعوت

نموده و آنها را به تحمل و صبر در برابر زخم و ضربه دشمن و تلاش برای رهایی فرا

می خواند.

۱۲- کمری راست کن آهنگ رسایی طلبت

بینوا بندگی باش، خدایی طلبت

(همو، ۱۳۷۹، ص ۷۶)

قاعده بینامتنی: نفی جزئی

وی در بیت فوق از مثنوی «کفران» از حاکمان سرزمینهای اسلامی می خواهد که به

جای اینکه آهنگ خدایی کنند، دست از خودخواهی و قدرت طلبی برداشته سر تسلیم

در برابر پروردگار فرود آورده و بندگی پیشه کنند.

بیت فوق با این عبارت از «سرود ابراهیم در آتش» اثر احمد شاملو ارتباط بینامتنی

دارد:

«من بینوا بندگی سربه راه نبودم / و راه بهشت مینوی من / بز رو طوع و خاکساری

نمود» (شاملو، ۱۳۸۹، ص ۷۲۶).

ج-تلمیح به داستانهای ادبی

۱۳- ره دراز است، مگویند که منزل دیدیم

نیست، این پشت نهنگ است که ساحل دیدیم

(همو، ۱۳۹۱، ص ۴۱)

قاعده بینامتنی: نفی جزئی

در بیت زیر که از مثنوی «احد(۱)» است شاعر از مخاطب خود (امت اسلامی)، می‌خواهد با چشمان باز، مسیر درست را انتخاب کرده و دست از تلاش و مبارزه برنداشته و اجازه ندهند حوادث تاریخی که منجر به شکستشان شد، دوباره تکرار شوند. بیت به داستان سندباد که یک چهره داستانی کهن ایرانی است و از او به‌عنوان سندباد دریانورد یا سندباد بحری نیز نام می‌برند، اشاره دارد.

۱۴- نفرینی زمینیم پس بی سبب نبود هم‌وزن با فراعنه آمد افاغنه

(کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۴)

قاعده بینامتنی: نفی جزئی

بیت فوق با «نفرین زمین» اثر جلال آل احمد ارتباط بینامتنی دارد. گویا شاعر این همه رنجی را که جنگ و غربت مهاجرت بر او تحمیل کرده، عذاب الهی و سرنوشت محتوم خود و هموطنانش دانسته و زمین و آسمان را دشمن خویش می‌شمارد و از آن شکوه می‌کند.

۳-۳- تلمیحات دینی و مذهبی

الف- تلمیح به آیات و احادیث:

قرآن کریم و سخنان گهربار پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین -علیهم‌السلام- یکی از غنی‌ترین منابع معارف دین مبین اسلام هستند که این معارف را به شکلی بسیار زیبا در خود گنجانده و به صورت الفاظ گوناگون در اختیار مخاطب قرار داده‌اند. کاظمی نیز از جمله شاعرانی است که تأثیر قرآن و حدیث در اشعارش چشم‌نواز است.

۱۵- احمد، نه پلنگ و نه شغال آمده‌است کفران شده نعمت و زوال آمده‌است

(همو، ۱۳۷۹، ص ۸۳)

قاعده بینامتنی: نفی جزئی

این بیت برگرفته از شعری است که کاظمی آن را در سوگ شهید احمد زارعی که از شعرای به‌نام خراسان است سروده و در آن، به تشریح روزگارِ پس از او پرداخته و

از ناسپاسی مردم و فراموشی یاد خدا شکوه می‌کند که به قسمتی از آیه ۷ سوره ابراهیم تلمیح دارد:

« لَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَنْ كَفَرْتُمْ إِنْ عَذَابِي لَشَدِيدٌ »؛ اگر شکرگزار باشید بر (نعمات شما) می‌افزاییم و اگر ناسپاسی کنید همانا عذاب من سخت است.

ضمناً یادآور این بیت مولانا از دفتر اول مثنوی نیز هست:

شکر قدرت، قدرتت افزون کند جبر، نعمت از کفت بیرون کند

(مولوی، ۱۳۷۰، ص ۵۸)

۱۶- گفتید گریه است که تنها سلاح ماست

گیرم که این درست، ولی من مخالفم

(کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۶۵)

قاعده بینامتنی: نفی جزئی

در بیت بالا و ابیات قبل و بعد آن در متن شعر، شاعر مردم خویش را به جهاد علیه دشمنان تا دندان مسلح فرامی‌خواند و عجز و گریه را تنها در برابر قدرت لایزال الهی روا می‌داند. بیت زیر به بخشی از دعای کمیل اشاره دارد.

« اَرْحَمَ مَنْ رَأَسَ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ » (مفاتیح الجنان، ۱۳۸۳، ص ۱۳۷)

۱۷- مگر بعد عمری از این خواب سنگین تکانی دهد مرگ قهار ما را

(همو، ۱۳۹۰، ص ۸۱)

قاعده بینامتنی: نفی جزئی

بیت فوق از غزل «سیاوش» که در سوگ "عبدالقهار عاصی" سروده شده، به حدیثی از امیرالمؤمنین، اشاره دارد؛ ضمناً واژه قهار ایهام زیبایی دارد.

« النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا » (اصول کافی، ص ۸۰)؛ مردمان، خفتگانند، آنگاه که

مردند بیدار می‌شوند.

ب- تلمیح به تاریخ اسلام:

یکی از موضوعاتی که در اشعار کاظمی بازتاب گسترده‌ای دارد واقعه غم‌انگیز

عاشورا است که در تاریخ اسلام بالخصوص در تاریخ شیعه از اهمیت بالایی برخوردار است؛ و شاید حس حماسی _عرفانی موجود در آن، این شاعر مقاومت را بر آن داشته تا مفاهیم این حرکت عظیم تاریخی را که در حقیقت مدرسه انسان‌سازی است برای تبیین اهداف خود که ترغیب و تشویق به مبارزه علیه دشمن، آزادی‌خواهی، آزادگی و حس شهادت‌طلبی است؛ به کار گیرد.

۱۸- شاعر زبان ببند خود آغاز کرده است قرآن فراز نیزه دهن باز کرده است (کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۲۱)

قاعده بینامتنی: نفی جزئی

قرآن در این بیت استعاره از امام حسین است و به تلاوت آیات نورانی سوره کهف با سر بریده بر بالای نیزه توسط آن حضرت اشاره دارد.
۱۹- و سقّیان این امت - خدایشان تشنه‌کش سازد -

بر اسماعیل و هاجر نیز بستند آب زمزم را (همو، ۱۳۹۰، ص ۷۱)

قاعده بینامتنی: نفی متوازی

بیت علاوه بر تلمیح به ماجرای عاشورا و شهادت امام حسین و یارانش با لبان تشنه، به داستان حضرت اسماعیل و هاجر نیز اشاره دارد.
بیت فوق با بیتی از غزل زیبای حافظ ارتباط بینامتنی دارد:

«رندان تشنه لب را آبی نمی‌دهد کس گویی ولی شناسان رفتند از این ولایت (حافظ، ۱۳۸۷، ص ۴۳۹)

ماجرای ضربت خوردن حضرت علی(ع) و شهادت آن حضرت و همچنین ذکر گوشه‌هایی از بزرگواری‌های ایشان، دست‌مایه برخی از اشعار کاظمی است و وی بدین‌وسیله سعی در ابراز ارادت به آن حضرت و اعلام انزجار از دشمنان ایشان، داشته است.

وی در ابیات فوق، که برگرفته از شعر «احد(۳)» می‌باشد مردم را به جهاد علیه دشمن و حکام قدرت طلب داخلی دعوت نموده و آنها را به رشادت و شهادت طلبی ترغیب می‌نماید.

۲۰- من این فصل تباهی را از آن هنگام حس کردم

که مسجد نیز پنهان کرد در خویش ابن ملجم را
(کاظمی، ۱۳۹۰، ص ۷۱)

قاعده بینامتنی: نفی جزئی

در بیت فوق، گویا شاعر عقیده دارد همه چیز دست به دست هم دادند تا شهادت علی(ع) را رقم بزنند و همه به آنچه که در حال وقوع بود راضی بودند. او از این نگران است که تاریخ دوباره تکرار شود. (و صد البته که تاریخ تکرار مکررات است.)

انتظار نیز در شعر کاظمی بازتابی وسیع دارد.

اعتقاد به ظهور منجی در همه ادیان وجود دارد. در اسلام و بالخصوص در مذهب شیعه قرن‌هاست که این اعتقاد تمامی جوانب زندگی مردم را تحت الشعاع خود قرار داده و عشق و امید به زندگی در سایه عدالت و ایمان را به ایشان نوید می‌دهد.

۲۱- مرد خود باش که هنگامه استقبال است

سیصد و سیزده آئینه و یک تمثال است

(همو، ۱۳۷۹، ص ۷۶)

قاعده بینامتنی: نفی جزئی

سیصد و سیزده آئینه استعاره از یاران حضرت مهدی(ع) در هنگام ظهور و یک تمثال نیز استعاره از وجود نازنین حضرت ولی عصر(عج) است.

۲۲- بله حکومت دجال‌های یک چشم است

و تا ظهور سواران عوض نخواهد شد

(همو، ۱۳۹۲، ص ۹۲)

قاعده بینامتنی: نفی جزئی

شاعر حضور طالبان را که با ایجاد خفقان و کشتارهای وسیع در پی کسب قدرت در سرزمینش هستند به حکومت دجال تشبیه کرده و در این تشابه گویا رهبر طالبان را دجال دانسته است.

ج-تلمیح به داستان‌های پیامبران:

کاظمی همانند سایر شعرا، در جهت غنای هر چه بیشتر محتوای شعر خود و جذب و اقناع مخاطب از داستان پیامبران بهره گرفته است. این تلمیحات سامی و عبرانی هستند.

داستان حضرت موسی در اشعار کاظمی نسبت به سایر انبیا انعکاس بیشتری دارد.

۲۳- ظاهراً مرده که پوسید کفن می‌آید

نوح این قوم پس از غرق شدن می‌آید

(کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۶۷)

قاعده بینامتنی: نفی متوازی

وی در این بیت از امت اسلامی می‌خواهد پیش از این که کار از کار بگذرد در پی راه نجاتی برای خود در برابر دشمن باشند. شاعر در اینجا از تلمیح معکوس برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب بهره گرفته است.

نوح(ع) سومین پیامبر بعد از حضرت آدم، و نخستین پیامبر اولوالعزم است. وی سال‌های طولانی، مردم را به خداپرستی فرامی‌خواند ولی جز اندکی به او ایمان نیاوردند. به دستور خداوند برای نجات مؤمنان از طوفان، کشتی بزرگی ساخت و همه مؤمنان و از هر حیوانی یک جفت را به کشتی سوار نموده و به ساحل نجات رسانید.

۲۴- درگرفت آتش عصیان قرون ما را نیز

مرده‌مان زنده نشد، کشت مسیحا را نیز

(همو، ۱۳۷۹، ص ۷۳)

قاعده بینامتنی: نفی متوازی

کاظمی در این بیت، رنج و عذاب و گرفتاری‌های مردم را نتیجه عصیان و نافرمانی

از دستوره‌های الهی و تسلیم در برابر دشمن و خودداری از جهاد می‌داند و تلمیح عکس به کار رفته در داستان که در آن روایت به گونه‌ای وارونه مطرح شده تا مخاطبین را از مخاطراتی که به دلیل نادانی گریبانگیر آنها خواهد شد آگاه کند، به داستان حضرت مسیح(ع) و زنده کردن مردگان که در قرآن نیز آمده، اشاره دارد.

۳-۴- تلمیحات تاریخی

۲۵- در هفتاد رقم بتکده وا شد از نو چارده کنگره طاق بنا شد از نو (کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۵۷)

قاعده بینامتنی: نفی جزئی

این بیت به یکی از وقایع میلاد پیامبر(ص) که فرو ریختن کنگره‌های طاق کسری است، تلمیح دارد و شاعر در آن به بازگشت انسان معاصر به عصر جاهلیت و کفر و بی‌ایمانی اشاره دارد.

۳-۵- تلمیحات فولکلوریک(فرهنگ عامه) و ضرب‌المثل‌ها

تلمیحات تمثیلی نیز در شعر کاظمی از بسامد نسبتاً بالایی برخوردار است.

۲۶- سیب دندان زده با هر که رسد بذل کنند

روغن ریخته را نذر ابوالفضل کنند

(همو، ۱۳۷۹، ص ۶۶)

قاعده بینامتنی: نفی جزئی

وی در بیت بالا افرادی را که با وجود توانایی بسیار، قدمی هر چند ناچیز در راه رفع نیاز مردم بر نمی‌دارند، توصیف می‌کند که به ضرب‌المثل «روغن چراغ ریخته نذر امامزاده» تلمیح دارد.

۲۷- عاقبت زنجیر ما را چون کلاف بافت محکم این عمو زنجیرباف

(همو، ۱۳۹۰، ص ۱۳۷)

قاعده بینامتنی: نفی جزئی

عمو زنجیرباف نوعی بازی جمعی برای کودکان است و آن قدر معروف است که

تقریباً در همه جای ایران آن را انجام می‌دهند. داستان و روایت عمو زنجیرباف از نوع بدون راوی است.

کاظمی در این شعر به لویه جرگه سال ۱۳۸۲ و تصویب قانون اساسی افغانستان در این جرگه، اشاره دارد و به احتمال قوی منظور او از عمو زنجیرباف، ریاست این جرگه است. در حقیقت تمامی اعضای این جرگه با تصویب قوانین جدید در پی کسب منافع خویش هستند نه رسیدگی به وضعیت محرومان جامعه و این برای شاعر دردناک است و سوژه‌ای برای سرودن این شعر.

۴- نتیجه‌گیری

با آنکه در بخش پیشین به دلیل اقتضائات و محدودیت‌های مقاله، تنها به تعداد معدودی از شواهد شعری اشاره شد، ذکر این نکته ضروری است که در اجرای این پژوهش، انواع تلمیحات در تمامی اشعار محمدکاظم کاظمی به صورت کامل احصا و تحلیل شده و با عنایت به بسامد هر یک از انواع تلمیحات نتایج زیر به دست آمده است:

از مجموع ۲۶۶ تلمیح به کار رفته در شعر کاظمی ۱۴۹ مورد تلمیحات دینی و مذهبی است (که خود به سه بخش تلمیح به آیات و احادیث، تاریخ اسلام و داستان‌های پیامبران تقسیم می‌شود)، ۵۳ مورد تلمیحات اساطیری، ۲۲ مورد تلمیح ادبی، ۸ مورد تلمیح تاریخی و ۳۴ مورد تلمیح به فرهنگ عامه و ضرب‌المثل‌ها نیز در شعر کاظمی وجود دارد.

انواع تلمیحات در اشعار کاظمی

درصد	بسامد	اقسام تلمیح
۵۶٪	۱۴۹	دینی
۲۰٪	۵۳	اسطوره‌ای
۸٪	۲۲	ادبی

اقسام تلمیح	بسامد	درصد
تاریخی	۸	۳٪
فولکلوریک	۳۴	۱۳٪
جمع	۲۶۶	۱۰۰٪

نمودار انواع تلمیحات



روابط بینامتنی موجود میان شعر کاظمی و سایر متون، بر اساس نظریه بینامتنی ژولیا کریستوا، در سه زمینه کلی شامل: نفی جزئی ۲۱۰ مورد، نفی متوازی ۵۱ مورد و نفی کلی ۵ مورد، تحت بررسی قرار گرفت و مشخص شد که از این میان نفی جزئی، پربسامدترین قاعده بینامتنی میان شعر کاظمی و متون دیگر است.

دشوارترین رابطه بین متون از حیث ارتباط بینامتنی نفی کلی است که شاعر یا نویسنده، در این نوع بینامتنیت، متن پنهان را بازآفرینی می‌کند و معمولاً این امر به صورت ناخودآگاه روی می‌دهد که در آن معنای متن به کلی تغییر کرده و دگرگون می‌شود و کشف آن نیازمند ژرفاندیشی و اشراف به مفاهیم متن است. عدم بسامد بالای این نوع از روابط بینامتنی در اشعار کاظمی بیانگر این مطلب است که او به صورت ناخودآگاه از متون دیگر متأثر نگشته بلکه با آگاهی و بینش عمیق خود از آنها تأثیر پذیرفته است.

بسامد بالای تلمیحات دینی و مذهبی، بویژه تلمیحات عاشورایی و انتظار موعود و مهدویت و همچنین تلمیح به آیات و احادیث که صبغه‌ای مذهبی به اشعار او بخشیده

است، علاوه بر اشراف و تسلط شاعر بر قرآن و سایر نصوص ارزشمند دینی، بیانگر عشق و ارادت وی نسبت به دین مقدس اسلام، بالخصوص مذهب تشیع و پیامبر اکرم (ص) و خاندان پاک ایشان است.

لازم است اشاره شود که تلمیحات اسطوره‌ای در شعر کاظمی، با توجه به ضرورت‌های شعر مقاومت، بیشتر بر مدار حماسه می‌گردد تا بتواند مخاطبان شعر را به مبارزه در برابر تجاوزگران خارجی و جنگ‌افروزان داخلی تحریض نماید.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها:

۱- قرآن کریم.

۲- تودوروف، تزوتان (۱۳۷۷)، منطق گفت‌وگویی میخائیل باختین، ترجمه داریوش کریمی، تهران، نشر مرکز.

۳- چهارقانی برجلویی، رضا (۱۳۹۴)، از حنجره‌های شرقی، چاپ دوم، تهران، انتشارات هزاره ققنوس.

۴- خرّمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۷)، حافظ‌نامه، چاپ هجدهم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

۵- خطیب رهبر، خلیل (۱۳۷۳)، گلستان سعدی، چاپ نهم، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه.

۶- شاملو، احمد (۱۳۸۹)، مجموعه آثار، دفتر یکم: شعرها، تهران، انتشارات طیف نگار

۷- شمیسا، سیروس (۱۳۷۸)، نقد ادبی، چاپ سوم، تهران، انتشارات فردوس.

۸- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۱)، شاهنامه، چاپ سوم، قم، نشر دیوان.

۹- قمی، شیخ عباس (۱۳۸۳)، مفاتیح الجنان، چاپ یازدهم، قم، انتشارات سرور.

۱۰- کاظمی، محمدکاظم (۱۳۹۱)، پیاده آمده بودم...، چاپ چهارم، تهران، انتشارات
سوره مهر.

۱۱- ----- (۱۳۹۲)، شمشیر و جغرافیا، مشهد، انتشارات سپیده باوران.

۱۲- ----- (۱۳۹۰)، قصه سنگ و خشت، چاپ ششم، تهران،

انتشارات کتاب نیستان.

۱۳- ----- (۱۳۷۹)، گزیده ادبیات معاصر، چاپ دوم، تهران،

انتشارات کتاب نیستان.

۱۴- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷)، شرح اصول کافی، به کوشش مولی محمد

صالح مازندرانی، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه.

۱۵- محمدی، محمدحسین (۱۳۷۴)، فرهنگ تلمیحات شعر معاصر، تهران، نشر

میتر.

۱۶- نیکلسون، رینولد ایلین (۱۳۷۰)، مثنوی معنوی، تهران، نشر مولی.

(ب) مقالات:

۱- رنجبر، جواد (زمستان ۱۳۹۲)، «بینامتنی قرآنی و روایی در شعر ابن‌یمین

فریومدی»، مجله شعرپژوهی (بوستان ادب)، دانشگاه شیراز، سال پنجم، شماره چهارم،

صص ۹۱-۱۰۸.

۲- شاهین، شهناز (پاییز و زمستان ۱۳۸۲)، «شگفتی‌های بینامتنی در سه قطره خون»،

پژوهش‌های زبان خارجی، شماره ۱۵، صص ۵-۱۸.

۳- قاسم‌زاده، سیدعلی (بهار ۱۳۹۳)، «خوانش هرمنوتیکی - بینامتنی بی‌تی از دیوان

حافظ بر مبنای نظریه مایکل ریفاتر»؛ فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره

سی و دوم، صص ۸۹-۱۱۷.

۴- ----- (زمستان ۱۳۸۹)، «تحلیل سیر بازتاب مضامین و

روایت‌های اسطوره‌ای ایرانی در رمان‌های فارسی، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات

فارسی، شماره نوزدهم، صص ۲۳۷-۲۶۲.

- ۵ - قاسم‌زاده، سیدعلی (۱۳۹۰)، «تحلیل بینامتنی مختصات ادبی نثر تاریخ جهانگشا و تاریخ و صاف»، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، بهار ادب، سال چهارم، شماره پیاپی ۱۴، صص ۷۷-۹۴.
- ۶- میرزایی، فرامرز (۱۳۸۸)، «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کرمان، شماره ۲۵، صص ۵۸-۴۱..
- ۷- وصفی، محمدرضا و روح‌الله شفیعی (۱۳۹۲)، «نگرشی روشمند به جایگاه عهدین در تفسیر قرآن با تکیه بر الگوی نشانه‌شناختی بینامتنی»، تهران، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۲۵۲-۲۲۵.

